

An Analysis of Fatima Mernissi's Attitudes toward Social, Political, and Security Agency of Women

Fatemeh Ahmadi¹

Abstract

As an innovative reformist intellectual, Mernissi seeks to revive women's real status in society by drawing on Western and Islamic (Sunni) sources. Much of her sensitivity arises from the cultural conditions of her homeland, Morocco, and her attention is largely directed toward the historical conditions of Arab women. By analyzing the early history of Islam, she attempts to prove her interpretation of religion. In line with feminist ideas, she believes that Islam, in its essence, does not create a difference between women's and men's rights; however, patriarchal Arab culture has overcome Islamic teachings and has introduced laws contrary to women's rights. This article uses a descriptive-analytic method to critique Mernissi's views. The most important finding of the present study is that, despite her eloquent expression and her attentive concern for women's issues, her views in some cases do not conform to the definite and non-negotiable principles of Islam. This may be due to incorrect assumptions, selective engagement with sources, gender-based prejudice in choosing historical events, erroneous analysis and interpretation of historical occurrences, misreading of Islamic rulings, and insufficient awareness of religious foundations and frameworks.

Keywords : Reformist intellectualism; Islamic feminism; social agency; political agency; Mernissi.



1 . : M.A. in Qur'anic Exegesis (*Tafsīr*) and Qur'anic Sciences; Lecturer, Specialized Seminary School of Hazrat 'Abd al-'Azīm Ḥasanī (peace/peace be upon him), Tehran. yazahra0313@yahoo.com



تحليل اتجاهات فاطمة مرنيسى تجاه فاعلية النساء الاجتماعية والسياسية والأمنية

فاطمة أحمدى^١

الملخص

تسعى مرنيسى، بوصفها مثقفةً تجديدية، إلى إحياء المكانة الحقيقية للمرأة فى المجتمع، مستندةً إلى مصادر غربية وإسلامية من أهل السنّة. وترتبط معظم حساسياتها بالظروف الثقافية لبلد نشأتها، أى المغرب، كما يتجه اهتمامها أكثر إلى الشروط التاريخية للمرأة العربية. وقد حاولت مرنيسى، عبر تحليل تاريخ صدر الإسلام، إثبات تفسيرها للدين، وبالتوازي مع الأفكار النسوية، فهى ترى أن الإسلام لا يميز فى جوهره بين حقوق المرأة والرجل؛ غير أنّ الثقافة الأبوية/الذكورية العربية غلبت على التعاليم الإسلامية، فوضعت قوانين تخالف حقوق النساء. يتناول هذا المقال نقد آراء مرنيسى باستخدام المنهج الوصفى. التحليلي. وتتمثل أهم نتائج هذا البحث فى أنّ مرنيسى، رغم جزالة قلمها والاهتمام المختلف والمتّسم بالهمّ بقضايا النساء، لم يكن رأيها فى بعض المواضع منسجمًا مع أصول الإسلام القطعية التى لا تقبل الشك. ويحتمل أن يعود ذلك إلى: افتراضات غير صحيحة، والانتقاء الانتقائى للمصادر، والانحيازات الأنثوية فى اختيار الوقائع التاريخية، والتحليل والتفسير غير السليمين للأحداث التاريخية والأحكام الإسلامية، فضلًا عن عدم توفر المعرفة الكافية بمبادئ الإطار/المنظومة الدينية.

الكلمات المفتاحية: المثقف التجديدى، النسوية الإسلامية، الفاعلية الاجتماعية، الفاعلية السياسية، مرنيسى.

١. ماجستير فى التفسير وعلوم القرآن؛ من مدرسة الإمام عبد العظيم الحسنى عليه السلام التخصصية،

طهران. yazahra0313@yahoo.com

تحلیل نگرش فاطمه مرنسی پیرامون کنشگری اجتماعی، سیاسی و امنیتی زنان

فاطمه احمدی^۱

چکیده

مرنسی به عنوان روشنفکر نوگرا با بهره‌گیری از منابع غربی و اسلامی اهل سنت، درصدد احیای جایگاه واقعی زن در جامعه است. بیشتر حساسیت‌های وی ناشی از شرایط فرهنگی زادگاهش مراکش بوده و بیشتر توجه او به شرایط تاریخی زن عرب معطوف است. وی با تحلیل تاریخ صدر اسلام درصدد اثبات تفسیر خود از دین برآمده و همسو با افکار فمینیستی، بر این باور است که در ذات اسلام تفاوتی میان حقوق زن و مرد نیست؛ ولی فرهنگ مردسالار عرب بر آموزه‌های اسلامی غلبه کرده و قوانینی مخالف حقوق زنان ارائه می‌دهد. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی به نقد آراء مرنسی پرداخته است. مهمترین یافته این تحقیق آن است که؛ مرنسی علی‌رغم قلم شیوا، نگاهی متفاوت و دغدغه‌مند بودن در حوزه زنان، در مواردی دیدگاهش با اصول قطعی و خدشه‌ناپذیر اسلام مطابقت نداشته است. این مطلب می‌تواند به جهت پیش‌فرض‌های نادرست، برخورد گزینشی در انتخاب منابع، پیش‌داوری‌های زنانه در گزینش وقایع تاریخی، تحلیل و تفسیر نادرست از رویدادهای تاریخی و احکام اسلام و عدم آگاهی لازم از مبانی و چهارچوب‌های دینی باشد.

کلید واژه‌ها: روشنفکری نوگرا، فمینیسم اسلامی، کنشگری اجتماعی، کنشگری سیاسی، مرنسی.



۱- کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن، مدرسه علمیه تخصصی حضرت عبدالعظیم حسنی (ع)، تهران،



۱- مقدمه

در طول تاریخ، همه جوامع بشری زنان را به عرصه خصوصی و امور خانگی محدود می‌کردند. این تجربه مشترک، با ویژگی‌ها و اشکال گوناگون تداوم داشت و به صورت یک شکاف خفته و غیرفعال بود. در عصر روشنگری زنان به عنوان گروه‌های بی‌امتیاز، در صدد احقاق حقوق اجتماعی، سیاسی خود برآمدند و نهضت فمینیست را به پا داشتند و توانستند با ورود هر چه گسترده‌تر به حوزه‌های عمومی سهم بیشتری در تصمیم‌گیری‌ها به دست آورند.

به دنبال گسترش این نهضت زنان مسلمان نیز در پی مطالبات برابری خواهانه خود، فمینیسم اسلامی را پایه‌ریزی کردند. آنان با تفسیرهای جدید از متون دینی مفاهیم دینی را در خدمت نهضت فمینیسم قرار داده و با طرح الگوهای بومی، و ظاهری اسلامی به زعم خود، به دفاع از زنان مسلمان پرداختند.

از جمله این زنان، فاطمه مرنیسی است. هرچند او در تالیفات و سخنرانی‌هایش، خود را فمینیسم معرفی نکرد؛ اما مطالعه آثار او به خوبی بیانگر حساسیت او به مسائل زنان است. در ایران نیز برخی از تالیفات او به خصوص کتاب "زنان پرده نشین، نخبگان جوشن پوش" مورد توجه قرار گرفت و بعد از چندی دستور جمع‌آوری آن داده شد.

او در کتاب "زنان پرده نشین، نخبگان جوشن پوش" به دنبال فرایند تسلط مردان مسلمان بر زنان خویش است و صدر اسلام را آغاز عرصه ستیزی فرهنگی برای تحقق آزادی و حقوق زنان می‌داند. ستیز پیامبر با زن ستیزان مؤمن و منافق که علی‌رغم اختلاف ایمانی، در تثبیت و تقویت قدرت مردانه خود توافق داشتند. وی فرجام این ستیز را انکار دانش و توان زنان در سنت مرد اندیشی اسلامی می‌داند که با بی‌توجهی به آموزه‌های پیامبر و قرآن و با جعل احادیث مجعول، با اصل آزادی زنان به مخالفت برخاسته‌اند و اسلام را از مسیر واقعی‌اش منحرف ساخته و رفتار عادلانه با زنان را به فراموشی سپرده‌اند. (مرنیسی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۰) مرنیسی در این کتاب با ادبیاتی داستانی-تاریخی، با قلمی شیوا وقایع صدر اسلام را بسیار جذاب و روان نقد کرده و

بیشتر انحرافات را ناشی از تحمیلات برخی از صحابه می‌داند. متأسفانه مرنیسی با تکیه بر اطلاعات ناصحیح توانسته دیدگاه‌هایی را ارائه دهد که همسو با عقاید فمنیست‌های اسلامی است. از آنجا که بررسی همه این نقایص در یک مقاله امر معقولی نیست، لذا در این پژوهش به نقد برخی از آراء مهم او در خصوص زنان با نگاهی ویژه به کتاب "زنان پرده نشین، نخبگان جوشن پوش" پرداخته خواهد شد. ریشه باید پنهان و در خاک باشد و شاخه‌های مثمر، پیدا. حضور اجتماعی زن به مثابه شاخه پیداست و پوشش، ریشه پنهان درخت. اگر ریشه، پنهان و در خاک نباشد، شاخه می‌فرساید.

۱-۱. پیشینه تحقیق

در مورد آرای مرنیسی و نقد آن تألیفاتی به چاپ رسیده است؛ از جمله: مقاله "تحریف حقایق در یک کتاب" (حسامی، ۱۳۸۱) نویسنده در این مقاله به بررسی انحرافات تاریخی و اعتقادی مرنیسی در کتاب "زنان پرده نشین و نخبگان جوشن پوش" می‌پردازد. مقاله "ملکه‌های از دست رفته در اسلام" (شاهق حریری، ۱۳۷۳)، نویسنده به نقد کتاب "سلطانات المنسیات" مرنیسی پرداخته و معتقد است ملکه‌هایی که خانم مرنیسی از ایشان نام برده‌اند، به هیچ وجه از یادرفته نمی‌توان انگاشت؛ زیرا مورخان مسلمان از آنان به مانند مردان فرمانروا یاد کرده‌اند و به همین سبب بوده است که مرنیسی به نام و سرگذشت ایشان دسترسی یافته است. همچنین مقاله "حقوق زن مسلمان از دیدگاه مرتضی مطهری و فاطمه مرنیسی" (توانا و دیگران، ۱۳۹۶) نویسنده به تفاوت دیدگاه‌های مطهری و مرنیسی درباره حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی زنان می‌پردازد و مقاله‌ای با عنوان "نقد آرای فاطمه مرنیسی در خصوص حجاب" (فهرستی، ۱۳۸۴) نگارنده به استنباط اشتباه مرنیسی از آیه ۵۳ سوره احزاب در خصوص حجاب اشاره کرده و به واژه شناسی حجاب پرداخته است.

در این مقالات از یک سو به نقد کلی کتب و آرای مرنیسی پرداخته شده و در برخی موارد صرفاً آرای او بدون نقد گردآوری شده، و از طرف دیگر به نظر می‌رسد از میان آثار





خانم مرنیزی کتاب "زنان پرده نشین، نخبگان جوشن پوش" مورد توجه فعالان حقوق زن در ایران قرار گرفته است؛ لذا نگارنده برآن است تا با نگاهی ویژه به این کتاب، به بررسی و نقد آرای مهم خانم مرنیزی در خصوص زنان بپردازد.

۱-۲. روش تحقیق

اطلاعات و داده های این پژوهش به روش کتابخانه ای گردآوری شده است و مبتنی بر کتب و داده های تاریخی، پژوهش صورت گرفته فراهم آمده، این پژوهش، کیفی و به روش اسنادی است. روشن است که برای جامعیت پژوهش، کتب مورد استفاده معطوف به دانش های متفاوت انسانی است و از آثار تفسیری، تاریخی و حدیثی استفاده شده و در پاره ای از موارد از منظر دانش های نوتری چون جامعه شناسی و روان شناختی به موضوع پژوهش و متفرعات آن پرداخته شده است. همچنین این پژوهش با تحلیل و انتقاد و نقد نقل های تاریخی، اعتبارسنجی مصادر و اسانید صورت بندی و سامان دهی شده است. یکی از اساسی ترین معیارهای راستی آزمایی منقولات این پژوهش، عرضه آن بر ترازوی معیار؛ یعنی قرآن کریم است و در داوری نهایی نقل های حدیثی، عطف توجه به ترازوی معیار، مغفول نمانده است.

۲- آشنائی مختصر با فاطمه مرنیزی

فاطمه مرنیزی در فاس یکی از شهرهای مراکش در سال ۱۹۴۰ میلادی به دنیا آمد. او تحصیلات دانشگاهی اش را ابتدا در علوم سیاسی در دانشگاه سوربن و سپس جامعه شناسی را در براندیس دنبال کرد. مرنیزی با حضور در دانشگاه، از نظام اجتماعی مراکش فاصله گرفته بود و با تحصیلات آکادمیک، اینک می توانست نگاهی نقادانه به ماجرای زن در نظامهای سنتی داشته باشد. (دلیر، ۱۳۹۸، ص ۱)

مرنیزی جامعه شناسی است که به مسئله زنان توجه ویژه ای دارد، این مسئله هم در پروژه دکتری و دیگر پروژه های ایشان قابل مشاهده می باشد. او به زبان فرانسه به

نگارش تأملات خود می‌پرداخت. مراکش سالها مستعمره فرانسه بوده و زبان فرانسوی در این کشور رایج شده بود. بنابراین در اغلب کارهای پژوهشی آنان غلبه فرهنگ فرانسوی قابل مشاهده است. مرنسی در همه جا عنوان کرده که من یک مراکشی و مسلمان هستم، لذا از یک طرف با غرب به جهت حال و هوای ضد استعماری موجود در مراکش، در تمایز است و از سوی دیگر غرب را به عنوان مرجعیت در ارزشهای انسانی می‌داند که باید جوامع اسلامی به آن برسند؛ اما وی مانع رسیدن مسلمانان به این ارزش‌ها را اسلام سیاسی (دین اخوانی) می‌داند، و برای حل این مشکل دوردین را خط نمی‌کشد، بلکه بازگشتی به گذشته داشته و به تاریخ رجوع می‌کند که مشکلات فرهنگی امروز جوامع دینی را حل کند. (علاسوند، ۱۳۹۴، ص ۱۳)

۳- مفهوم شناسی

از اساسی ترین دلایل گشودن مبحثی تحت عنوان واژه شناسی در پژوهش‌ها و تحقیق‌ها آن است که مخاطب بداند در مشترک لفظی، پژوهشگر به کدام یک از معانی لفظ نظر دوخته است و یا کدام معنا مورد نظر است.

۱-۳. نقد

نقد و انتقاد در لغت به معنی ارزیابی، بررسی، شناسایی نمودن، زیر و رو کردن، عیب‌ها را نمایاندن و پنهان‌ها را رو کردن است. نقد؛ یافتن و نشان دادن است تا اگر کسی خواست، راهش را بیابد و اگر نخواست عذری نداشته باشد. (صفائی حائری، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۱۵) وقتی گفته می‌شود درهم را نقد زد؛ یعنی پولهای فلزی خوب را از بد جدا کرد. همچنین نقد زدن کلام؛ یعنی نارسائی‌ها یا محسنات گفتار را بیان کرد. (بستانی، ۱۳۷۵، ص ۹۲۹)

نقد یک اثر نوشتاری عبارت است از داوری خرده‌گیرانه درباره متنی براساس دلیل یا دلایل فراشخصی و در معرض دیگران قرار دادن آن. فرایند نقد یک متن هنگامی آغاز





می‌شود که خواننده در مدعیات، استدلال‌ها، ساختار، واژگان و زبان کتابی که در دست گرفته است، تأمل و درنگ کند و آنها (یا بخشی از آنها) را ناپذیرفتنی یا قابل پرسش بداند. بعد باید برای خویش روشن کند که به طور مشخص، با کدام بخش یا جنبه کتاب مشکل دارد. در گام بعدی، خواننده اگر نتوانست مشکل خود را با اثر رفع کند و با آن کنار بیاید و احساس کرد که با محتوا و ساختار آن اثر مخالف است یا دیدگاه متفاوتی دارد، می‌کوشد تا برای موضع خود دلیل یا دلایلی بیابد. نکته اساسی آن است که این دلیل یا دلایل نمی‌توانند صرفاً شخصی باشند. هدف چنین نقدی، رنجاندن دیگران نیست؛ بلکه بیان دیدگاه خود و ارزیابی اثری خاص است (اسلامی، ۱۳۹۱، ص ۵۳-۳۸).

۲-۳. فمینیسم اسلامی

فمینیسم، واژه‌ای فرانسوی است که نخستین بار در قرن نوزدهم بکاربرده شد. در فارسی آن را زن‌وری، زن‌گرائی (مکنزی، ۱۳۷۵، ص ۳۶۴) زن‌نوازی، زن‌باوری، طرفداری از زنان (عمید، ۱۳۶۲، ص ۱۵۵۱) ترجمه کرده‌اند. فمینیسم، نهضتی اجتماعی است که هدف از آن احراز پایگاهی مساوی با مردان در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی برای زنان است. (ساروخانی، ۱۳۷۵، ص ۵۶) به عبارتی دیگر فمینیسم مدعی دفاع و جانبداری از حقوق زنان و عقیده به برابری زن و مرد در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و مبارزه در راه وصول به این برابری است و ایدئولوژی‌ای است که هدف اساسی آن از بین بردن تبعیض، تحقیر، توهین و ستم به زنان و برانداختن سلطه مردان از جامعه است. (آقا بخشی و افشاری راد، ۱۳۷۹، ص ۱۳۴)

طرح مباحث فمینیستی در اسلام از اواخر قرن نوزدهم و به دنبال مدرنیته در کشورهای مسلمان شکل گرفت. (اسحاقی، ۱۳۸۵، ص ۱۹) فمینیسم اسلامی نیز به دنبال تساوی زن و مرد پیش رفته و از تفاوت‌های زن و مرد در احکام و قوانین انتقاد می‌نماید. آنان به ارائه برداشت‌های جدید از آیات قرآن و قرائتی از دین دست می‌زنند تا

بتوانند این تساوی را در تمام عرصه ها و ابعاد اثبات نمایند. (بهشتی و احمدی نیا، ۱۳۸۵، ص ۵۷)

۴- نگاه مرنیسی به احادیث پیرامون زنان

مرنیسی با بررسی احادیثی که منشأ سنت بی‌اعتمادی به زنان و دورنگه داشتن زنان از سیاست است، به دنبال احقاق حقوق سیاسی زنان بوده و برای اثبات مدعای خود از کنشگری سیاسی زنان در تاریخ اسلام بهره می‌گیرد.

۴-۱. نقش روایات در سنت بی‌اعتمادی به زن

به عقیده مرنیسی پس از رحلت پیغمبر ﷺ تاکنون از برخی احادیث به عنوان ابزاری در جهت دورنگه‌داشتن زن از سیاست بهره گرفته شده است. از جمله این احادیث حدیث ابوبکر است که بخاری و دیگران این حدیث را از جمله احادیث صحیح به شمار آورده‌اند. (مرنیسی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۲) او به نقل تاریخ طبری درباره این روایت می‌پردازد؛ در زمان خلافت حضرت ع (علیه السلام)، عایشه برای توجیه شورش خود، مجازات نکردن قاتلان عثمان توسط حضرت ع (علیه السلام) را بهانه کرد و خواستار مجازات محاصره کنندگان خانه عثمان بود که در آن زمان از رهبران نظامی سپاه حضرت ع (علیه السلام) شده بودند. عایشه با کمک طلحه و زبیر که همگی از قریش بودند، توانست عده‌ای از مردم را علیه خلیفه بشوراند؛ اما عده‌ای عمده‌ترین خطر برای امت اسلام را هرج و مرج داخلی می‌دانستند و برای دوری از جنگ بهانه‌هایی می‌آوردند. از میان اصحابی که در مورد جنگ بی‌تفاوت بودند، تنها ابوبکر، زن بودن یکی از طرفین جنگ را به عنوان توجیه عدم مشارکت خود مطرح کرد و هنگامی که از طرف عایشه با ابوبکر تماس گرفته شد، گفت: این حقیقت دارد که شما به عنوان ام‌المؤمنین برگردن ما حق دارید؛ ولی من شنیدم که پیغمبر ﷺ می‌فرمود: آنهایی که قدرت را به زن می‌سپزند، هرگز سعادتمند نمی‌شوند. (مرنیسی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۵)





مرنیسی خود را هم صدا با رأی صاحب نظرانی چون طبری می‌داند که علیه چنین احادیثی موضع‌گیری کرده و این دسته از روایات را برای محروم سازی زن از قدرت تصمیم‌گیری و سیاست‌منبعی کافی ندانسته و به بررسی و تحلیل این حدیث می‌پردازد.

مرنیسی به سه دلیل این روایت را رد می‌کند؛ اولاً: ابوبکر قبل از اسلام برده و فقیر بود و اسلام برای او نه تنها ثروت و شهرت؛ بلکه از همه مهم‌تر به او هویت بخشید و به همین جهت او دشمن هرگونه جنگ داخلی بود که تضعیف‌کننده بنیان و پایه جامعه اسلامی باشد. ثانیاً: چرا او در چنین موقعیتی کوشید سخنانی که به ظاهر ۲۵ سال پیش از پیامبر شنیده بود به یاد بیاورد؟ ثالثاً: ابوبکر یک‌بار برای شهادت دروغ در مورد زنا مجازات شده و به دستور عمر تازیانه خورده بود. با استناد به گفته‌های مالک هرگز نباید از سفیه، احساساتی، بدعت‌گذار، دروغگو و بالاخره از شیخ، حتی شیخ محترم و بسیار متقی، ولی فاقد تسلط در علمی که قصد دارد آن را منتقل کند، اطلاعاتی کسب کرد. در نتیجه طبق این شیوه، ابوبکر فاقد صلاحیت بوده و نمی‌توان به عنوان مرجع حدیث مورد پذیرش یک مسلمان آگاه قرار بگیرد. (حسامی، ۱۳۸۱، ص ۲۲۱؛ مرنسی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۹) وی در ادامه می‌نویسد: به اعتقاد من اگر ما برای اثبات آرای خود از مقدسات بهره می‌گیریم باید احتیاط خود را دوچندان کنیم؛ زیرا دیدیم چگونه فردی عقیده‌ای سیاسی را به عنوان حقیقتی اولیه به مؤمنین تحمیل کرد. وجود چنین احادیث زن‌ستیزی که امروزه به عنوان حقیقتی قطعی و مقدس معرفی می‌شود، استثنا نیست. آن‌هایی که می‌خواهند زن را از سیاست دور نگه دارند، از امثال این احادیث همچون پتک در بحث‌هایشان بهره می‌گیرند. احادیثی که با تحلیل تاریخی می‌توانند مورد تردید قرار بگیرند. (مرنیسی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۲)

مرنیسی، برای اثبات کنشگری سیاسی زنان در تاریخ اسلام، به نقش همسران پیغمبر ﷺ از جمله ام سلمه و عایشه می‌پردازد. او معتقد است وقتی عایشه در رأس یک سپاه برای به چالش کشیدن مشروعیت خلیفه چهارم به صحنه جنگ رفت، آیا این تحریک مردم به فتنه و ایجاد جنگ داخلی علیه خلیفه مبین، زندگی سیاسی نیست؟ همچنین عایشه با عدم مساعدت خود به خلیفه سوم، در سست کردن حکومت او نیز سهیم بوده است. (مرنیسی، ۱۳۸۰، ص ۵۹) او دیدگاه "افغانی" مبنی بر اینکه عایشه با عملکردش ثابت کرد، زن برای دخالت در سیاست ساخته نشده است، را رد کرده و می‌گوید کدام منبع تاریخی به او اجازه می‌دهد کلی‌گویی کرده و مورد عایشه را به همه زنان تعمیم دهد و میلیون‌ها زن را از حقوق سیاسی شان محروم کند. آیا عایشه مسئول تمام خون‌های ریخته شده در طول تاریخ مسلمانان از ۲۵ ربیع الآخر سال ۳۶ هجری تا امروز است؟ (مرنیسی، ۱۳۸۰، ص ۶۰ و ۶۱) و نتیجه می‌گیرد سنت بی‌اعتمادی به زن در اصل اسلام ریشه ندارد؛ بلکه ریشه آن در روایات ضعیف و نادرستی است که امثال ابوبکر و ابوهریره نقل کرده‌اند.

مرنیسی در کتاب "ملکه‌های فراموش شده" برای اثبات شأنیت زنان برای تصدی مناصب و مشاغل همچون ریاست عالیه حکومت یا ولایت عظمی دست به کاوشی تاریخی زده و تمام بلاد اسلامی از یمن، مصر، ایران، هند تا اندونزی را بررسی کرده و ملکه‌های مسلمان متعددی می‌یابد که حکومت را در دست گرفته‌اند. ملاک او برای ملکه خواندن آنان، ضرب سکه به نام آن‌ها و خطبه خواندن به نامشان است. او تنها وجه مشترک در زندگی همه آن ملکه‌ها، در به حکومت رسیدن آنان، آن هم در شرایطی که حکومت و ریاست منحصراً در اختیار مردان بوده، خویشاوندی با حاکمان می‌داند؛ یعنی تنها زنانی که با حاکمان مرد خویشاوندی داشته‌اند، توانستند به حکومت دست یابند، مانند خانم بینازیر بوتو. (مرنیسی، ۱۹۹۴، ص ۱۱) او حکومت این زنان را دلیلی بر رد





ادعای مسلمانان درباره رهبری سیاسی زنان دانسته و این رأی را غیراسلامی می‌داند.
(شاهق حریری، ۱۳۷۳، ص ۱۹۶-۱۹۴)

۳-۴. تحلیل دیدگاه مرنیسی پیرامون روایات

اولین نکته در نقد نظر مرنیسی درباره رهبری سیاسی زنان، توجه او به روایات و تلاش وی در تضعیف آن‌ها، در جهت رویکرد زن‌مدارانه خود است؛ اما روش او در رد روایت از جمله روایت ابوبکر، از مدار علمی و روش صحیح برخوردار نیست. زیرا؛ اولاً؛ مذاهب اسلامی بهره بردن یا نبردن راوی از اسلام را دلیلی بر رد یا پذیرش حدیث او نمی‌دانند. ثانیاً؛ اگر پذیرفته شود، فاصله زمانی نسبتاً زیاد بین زمان صدور و نقل حدیث، به صحت روایات آسیب می‌زند، چنین امری موجب خواهد شد، بسیاری از روایات از دایره سندیت خارج شوند به خصوص اگر دوره منع کتابت حدیث در نظر گرفته شود، بسیاری از احادیث اهل سنت فاقد درجه اعتبار خواهند بود، به همین جهت این دلیل نیز در رد روایت قابل قبول نیست. ثالثاً؛ مرنیسی با توجه به حد خوردن ابوبکر برای شهادت در مورد زنا، در صدد مخدوش کردن صداقت و راستگویی ابوبکر است و او را فاقد شروط ابن مالک در پذیرش اطلاعات و حدیث راوی می‌داند. به همین جهت روایات ابوبکر را نیز تضعیف می‌کند. در حالی که تازیانه خوردن او ملازم با دروغگو بودن او نیست؛ بلکه به سبب اینکه تعداد شاهدان در مورد زنا کافی نبود، براساس فقه اسلامی تازیانه خورد. (حسامی، ۱۳۸۱، ص ۲۲۱-۲۲۲) با ادله مرنیسی نمی‌توان این روایات را تضعیف کرد؛ هر چند شخصیت ابوبکر در میان علمای اهل سنت مورد اختلاف است و بیشتر علمای شیعی نیز برای احادیث او اهمیتی قائل نیستند.

نکته دوم اینکه مشارکت سیاسی را می‌توان به دو شکل مستقیم و غیرمستقیم فرض کرد. در شیوه مستقیم فرد، به عنوان تصمیم‌گیرنده و در شیوه غیرمستقیم فرد به عنوان مشاور سیاسی و مداخله‌گر در تصمیم‌گیری‌ها فعالیت دارد. براین اساس برخی اندیشمندان اسلامی، دو واژه حکومت و سیاست را از هم تفکیک کرده‌اند. آنها حکومت

را به معنای مطاعیت و حتی قیمومیت می‌دانند که اسلام هیچگاه نخواسته زن به مقام مطاعیت برسد؛ ولی سیاست را دارای بار مفهومی عام‌تری می‌دانند که به زن اجازه می‌دهد به عنوان مشاور و یا کارمند از مهمترین مسائل سیاسی مطلع شده و در سیاست دخالت کند و از حق رأی برخوردار باشد. (مطهری، ۱۳۹۱، ص ۱۰۴) در حقیقت حکومت و سیاست از مناصب اجرایی است. در اسلام تقسیم عادلانه سمت اجرایی با در نظر گرفتن استعدادها و ارزیابی خصوصیت هریک از زن و مرد، مد نظر است و هر کدام به نوبه خود توان مسئولیت‌های مناسب خود را دارند. در دیگر جوامع نیز ثابت نشده در سیاست بین زن و مرد تفاوتی نباشد؛ زیرا عملاً ثابت شده خود زنان آن‌چنان شور و اشتیاقی که مردان به حکمرانی و حتی سیاست دارند از خود نشان نمی‌دهند و همچنین مانند مردان توانایی و استعداد انجام امور سیاسی را ندارند. اگر زنان همچون مردان چنین توانی در خود می‌دیدند و یا می‌خواستند که در امور سیاسی دخالت کنند، امروزه نیمی از مشاغل سیاسی دنیا در دست زنان بود، اما دیده می‌شود در کشورهایی که حضور زنان در سیاست منع قانونی ندارد، تعداد اندکی از زنان مناصب مهم سیاسی را تصاحب کرده‌اند که بیشتر آن در سایه حمایت شوهرانشان بوده است که توانسته‌اند این مناسب را تصاحب کنند همانند ملکه‌های حکومت‌های اسلامی. (مطهری، ۱۳۹۱، ص ۵۹)

۵- دیدگاه مرنیسی پیرامون امنیت اجتماعی زنان

مرنیسی، امنیت اجتماعی زنان را در سه بخش امنیت مالی، جانی و خشونت علیه زنان بررسی می‌کند.

۱-۵. امنیت مالی

قبل اسلام وقتی مردی فوت می‌کرد و پسر بزرگ او وارث همسرش می‌شد. در صورتی که آن زن، مادرش نبود، می‌توانست خودش با او ازدواج کند یا او را به تزویج برادر یا برادرزاده‌اش درآورد. همچنین در دوره جاهلیت دختران جوان متوفی، نه تنها از ارث





محروم بودند؛ بلکه مورد انواع سوء استفاده‌ها، از جمله سوء استفاده جنسی قرار می‌گرفتند. قیم دختران، زیباترین آنها را مجبور می‌کرد با وی ازدواج کند؛ در نتیجه صاحب سهم الارث او می‌شد و هم مهریه پرداخت نمی‌کرد. اگر دختر زشت بود، قیم اجازه نمی‌داد او ازدواج کند، صبر می‌کرد تا او بمیرد، تا بتواند ارث او را تصاحب کند. (طبری، بی‌تا، ج ۸، ص ۱۰۷؛ مرنیسی، ۱۳۸۰، ص ۱۹۳)

با نزول آیه ۳۲ سوره نساء نه تنها زن مانند شتر و درخت خرما به ارث نرسید، بلکه خودش هم صاحب ارث شد. به همین جهت برای اولین بار مردان با خدای اسلام درگیری مستقیم و شخصی پیدا کردند؛ زیرا این آیه از دو جهت از موقعیت و امتیازات مردان می‌کاست. از یک سو از آنجا که زنان دیگر بخشی از ارث نبودند از سهم الارث آنها کاسته شد و از سوی دیگر زنان در ارث با آنها شریک می‌شد. (مرنیسی، ۱۳۸۰، ص ۱۹۳)

مرنیسی، واکنش اصحاب به این قوانین را این طور بیان می‌کند که اصحاب در ابتدا این قوانین را رد کردند تا آداب و رسوم جاهلیت همچنان پابرجا بماند. سپس از پیامبر شکایت کرده و برای تغییر آن فشار آوردند. سرانجام با درماندگی برای رهایی از آن قوانین به تفسیر آیه‌های قرآن روی آوردند و همه اینها در زمان پیامبر اتفاق افتاد. مردان معترض بودند که چگونه زنان و کودکان می‌توانند صاحب ارث شوند در حالی که کار نمی‌کنند و درآمدی ندارد؟ (مرنیسی، ۱۳۸۰، ص ۱۹۹؛ طبری، بی‌تا، ج ۹، ص ۲۵۵)

از آنجا که احکام خداوندی برخلاف منافع مردها بود برای تداوم امتیازات و برتری‌های خود از متون مذهبی سوء استفاده کرده و آیه ۵ سوره نساء را به رأی خود تفسیر کردند؛ برخی "سفهاء" را به زنان و کودکان تفسیر کرده و نتیجه گرفته‌اند که باید از ارث محروم باشند. (طبری، بی‌تا، ج ۷، ص ۵۶۱) مرنیسی با بیان دیدگاه‌های طبری در این باره به او خرده می‌گیرد که چرا جهت‌گیری فکری ندارد و صرفاً دائرة المعارفی از عقاید متنوع و گونه‌گون به ما ارائه می‌دهد و جمع بندی نمی‌کند و از همه این اقوال یک اصل در مورد مسئله جنسیت یعنی اصل برابری را استنتاج نمی‌کند. (مرنیسی، ۱۳۸۰، ص ۲۰۱) مرنیسی در نهایت دو نوع تفسیر از این کلمه را می‌پذیرد: ۱) سفیه به

معنای فقدان درک و بصیرت و هدر دادن پول برای چیزهای بی ارزش که هیچ ربطی به جنسیت ندارد. ۲) سفیه به معنای نادان که شامل زن و مردی است که حق ارث خود را بی ارزش می کند. در حالی که مردان می خواهند با تفسیرهای خود، زنان را از حقوق نصفه و نیمه خود محروم کنند. (مرنیسی، ۱۳۸۰، ص ۲۰۱)

۲-۵. امنیت جانی

به عقیده مرنیسی با ظهور و گسترش اسلام، زنان نتوانستند به امنیت دست پیدا کند. وی با جستجو در تاریخ این موضوع را به گردن فرهنگ و جامعه مردسالار عرب می اندازد. او یکی از رایج ترین شیوه های ایجاد ثروت در آن زمان را کسب غنائم می داند که پیامبر نیز در این گونه جنگ ها شرکت می کرد. هرچند اهداف ایشان برتر از غزوات سنتی بود؛ ولی هنوز برای غالب سپاه اسلام، پرسودترین غنائم، زنان اسیر شده به حساب می آمدند. (مرنیسی، ۱۳۸۰، ص ۲۰۶) در جنگ ها زنان در حاشیه درگیری ها بودند و هنگام شکست به اسیری گرفته می شدند. حتی زنان آزاد شامل این موضوع بودند و اگر اسیر می شدند در صورتی که فدیهای برای آزادی او پرداخت نمی شد، توسط اسیر کننده به فروش می رسید و یا به عنوان مادر بچه هایش به صیغه او در می آمد؛ یعنی از زنان اسیر مثل زنان برده برای ارضاء جنسی، کار خانگی و تولید مثل استفاده می شد؛ لذا زنان از پیامبر خواستار حق شرکت در جنگ بودند. با این درخواست امیدوار بودند با تبدیل شدن به قدرت نظامی از اسیر شدن خود جلوگیری کرده و در نتیجه در کسب غنائم جنگی نیز سهیم شوند. مرنیسی زنانی را که می گفتند چقدر بد که ما مرد نیستیم تا به جنگ برویم و مال بیندوزیم را فاقد زیرکی سیاسی می داند؛ زیرا آنها نتوانسته بودند مانند امه سلمه منافع مادی خود را تحت لوای دین پنهان کنند و به بهانه جانفشانی برای خدا و آرمان پیامبر از حقوق زنان در شرکت در جنگ دفاع کنند. در حقیقت او امه سلمه را فردی زیرک می داند که رهبری زنان را در اعتراض به عدم امنیت اجتماعی به عهده داشت. (مرنیسی، ۱۳۸۰، ص ۲۰۷ و ۲۰۸)





۳-۵. خشونت علیه زنان

پس از درخواست ام سلمه، خداوند آیه ۳۵ احزاب را مبنی بر برابری زنان با مردان نازل کرد. به نظر مرنیزی علمایی که زندگی خود را وقف اهداف خدایی کرده‌اند، می‌توانستند براساس این آیه اصول برابری میان زن و مرد را پایه ریزی و نظریه مساوات‌طلبی را در اسلام تدوین کنند؛ اما در طول تاریخ علماء و سیاستمداران کشورهای اسلامی به جای ذکر این آیه، به آیه ۳۴ سوره نساء توجه کرده و از آن برای مشروعیت بخشیدن به افکار عقب مانده خود بهره گرفته و آن را برای اثبات مردسالاری خود به کار برنده و هرگونه ابهام، تفسیرهای گونه‌گون و اختلاف نظر در آیه را نادیده می‌گیرند. این آیه از دو جهت با آیه‌ای که به درخواست امه سلمه نازل شده بود، تضاد فاحشی داشت؛ زیرا این آیه دسترسی به ثروت را عامل سلسله مراتب اجتماعی می‌دانست. با نزول این آیه نابرابری میان زن و مرد نه تنها دوباره برقرار شد، بلکه انحصار ثروت توسط مردان و محرومیت زنان از آن نیز توجیه شد، و در ادامه به مردان حق داده شد که زنان خود را در موقع نشوز و عصیان علیه اقتدار مرد کتک بزنند. (مرنیزی، ۱۳۸۰، ص ۲۳۵ و ۲۳۶)

مرنیزی به اختلاف نظر مفسران و فقها درباره نشوز و ضرب زن پرداخته و می‌گوید: «بحث درباره متون دینی فقط به فقها واگذار شده و اغلب فقها تا به امروز در راستای منافع قدرت خود سخن گفته‌اند و به دیدگاه مساوات طلبانه علاقه‌ای ندارند». در آخر نتیجه می‌گیرد آنچه مسلم است پیامبر دست خود را نه بر زنی، نه بر برده‌ای و نه بر هیچ فرد دیگری بلند نکرد. از خشونت علیه زنان متنفر بود و سرسختانه پایبند این نظریه بود، ولی با شکایت مردان از زنان‌شان که می‌گفتند: زنان تخم بی‌نظمی می‌کارند، فرمود: بسیار خوب، آنها را بزنید؛ اما بدترین شما به چنین روش‌هایی دست خواهد زد. (ابن سعد، بی‌تا، ج ۸، ص ۲۰۴) همچنین می‌فرمودند: من تحمل دیدن مردی زودرنج را که در اوج عصبانیت همسرش را کتک می‌زند، ندارم. (ابن سعد، بی‌تا، ج ۸، ص ۲۰۴) البته خلیفه دوم در مورد استفاده از این فرصت تردید نکرد و به شهادت تاریخ یک بار خواهر

خود را به دلیل تشکیل جلسات قرآن و تحلیل موضوعات مختلف اسلام، کتک زد (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۶۹) و یک بار همسرش را سیلی زد به طوری که زمین خورد. (ابن سعد، بی تا، ج ۸، ص ۲۰۴) بنابراین در مدینه دو دیدگاه در مورد مسئله زنان وجود داشت؛ دیدگاه پیامبر که مخالف به کار بردن زور و خشونت علیه زنان بود. دیدگاه دیگر که نظریه‌ای ضد آن داشت. البته اهداف خلیفه دوم که مظهر سنت‌های ریشه‌دار بود غالب شد و باعث خشونت علیه زنان در طول تاریخ اسلام شد. (مرنیسی، ۱۳۸۰، ص ۲۳۵-۲۳۷)

۴-۵. تحلیل دیدگاه مرنیسی پیرامون امنیت زنان

مرنیسی رویکرد اسلام برای ایجاد امنیت مالی برای زنان را تا حدودی مثبت دانسته و نزول آیات ارث را آغازی برای احقاق حقوق مالی زنان ارزیابی می‌کند. انتقاد او در تفسیر به رأی‌های صورت گرفته در تفسیر آیه ۵ سوره نساء و کلمه سفیه قابل قبول و پذیرفتنی است؛ اما خورده‌گیری او به طبری برای عدم استنتاج اصل برابری زن و مرد پذیرفتنی نیست؛ زیرا به نظر می‌رسد مقصود او از برابری، همانند جهان غرب تشابه حقوق زن و مرد است، که با شعار مقدس و فریبنده تساوی حقوق، معنای تشابه را از آن اراده کرده و با شبیه‌سازی زن به مرد، بزرگترین خیانت را به زن و خانواده کرده‌اند، به طوری که ویل دورانت معتقد است: غرب زنان را از زندگی خانه رهانید و گرفتار بندگی و جان‌کندن در مغازه‌ها و کارخانه کرد. (مطهری، بی تا، ص ۲۵۷)

دو واژه تشابه و تساوی مفهوم متفاوتی از یکدیگر دارند. اسلام نیز قائل به تساوی حقوق زن و مرد است؛ اما با در نظر گرفتن خلقت و طبیعت زن و مرد، گاهی حقوق متشابه خارج از اصل عدل و غیرمساوی خواهد بود. (مطهری، بی تا، ص ۱۵۵) از منظر اسلام زن و مرد در انسانیت و جوهر وجودی با هم مشترک بوده و هیچ برتری برهم ندارند و تنها ملاک برتری تقواست؛ ولی از حیث طبیعت و سرشت تفاوت‌های غیرقابل انکاری در ساختار وجودی زن و مرد وجود دارد. خداوند نیز با توجه به همین تفاوت‌ها





برای هر جنس، وظایف و حقوقی متناسب با طبیعت خود، قرار داده است. از جمله این تفاوت‌ها مسأله ارث است. در روایات وارده از ائمه معصومه علیها السلام وظایف خاصی که تنها بر عهده مردان گذاشته شده، مانند: خدمت سربازی، پرداخت نفقه، مهریه و دیه قتل خطایی، علت نصف بودن ارث زن شمرده شده است. (حرعاملی، بی‌تا، ج ۲۶، ص ۹۳) با توجه به این وظایف خطیر که تنها بر عهده مرد است، برابری زن و مرد در ارث چندان عادلانه به نظر نمی‌رسد. به علاوه این که با ارزیابی مردان و زنان از نظر تملیک و مصرف مال، فهمیده می‌شود؛ هرچند دو سوم ثروت دنیا در تملیک مردان است؛ ولی از لحاظ مصرف، این زنان هستند که دو سوم ثروت دنیا را مصرف می‌کنند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۳۴۱) همچنین مرنیسی ادعا می‌کند؛ اسلام نتوانسته جلوی اسیر شدن زنان را بگیرد و برده‌داری را به طور کامل قطع کند؛ پس نتوانسته امنیت جانی زنان را تأمین کند؛ اما باید توجه کرد که هیچ کدام از جنگ‌ها و غزواتی که با حضور پیه صلوات الله علیه و یا بدون حضور ایشان صورت گرفته، آنطور که مرنیسی ادعا می‌کند به قصد غنیمت گرفتن زنان نبوده، بلکه علل مختلفی از جمله دفاع از مسلمانان و اسلام داشته است.

دین اسلام از سه روش معمول برده‌داری در آن زمان، که عبارت بود از زور و قلدری، داشتن ولایت ارث و شوهری و جنگ، ضمن رد روش اول و دوم، صرفاً روش اخیر را تحت شرایطی امضاء کرد نه تأسیس (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۴۹۴) و برای حل تدریجی اما سریع آن راه‌حلی از جمله؛ اختصاص بخشی از زکات برای آزادی بردگان، قرار دادن یکی از کفارات با عنوان آزادی بردگان، ایجاد قرارداد مکاتبه و غیره، تعیین کرده است. در صورتی که جهان متمدن هر چند به ظاهر نظام برده‌داری را آن هم فقط در زور و قلدری ملغی اعلان کرد؛ اما هنوز هم همان نظام به شکلی دیگر، در جهان معمول است که با نگاهی کوتاه به جنگ جهانی دوم و قیمومیت بر ملل محروم و مغلوب دیده می‌شود، چه فجایی به بار آورده و هنوز هم محرومان ملل به خصوص زنان گرفتار آن نظام قیمومیتی غلط هستند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۵۶۱-۵۶۶) البته رهایی از بردگی یکی از زمینه‌های امنیت جانی زنان را تشکیل می‌دهد. اسلام برای حفظ امنیت جانی و

روانی زنان در جامعه، حجاب و غض بصر را توصیه کرده، و برای حفظ امنیت جانی زن در خانواده توصیه‌های زیادی در باب محبت به دختران^۱ (بابویه قمی، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۱۵۶) و مادران^۲ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۶۳) کرده است. همچنین سفارش به معاشرت معروف با همسایه و اظهار علاقه به آنان و می‌کند.^۳ (بابویه قمی، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۱۲) از نظر جایگاه انسانی، جنسیت تأثیری در برتری نداشته و ملاک ارزش‌گذاری افراد تنها به تقوای آنان بستگی دارد، اما به لحاظ جایگاه خانوادگی، زن و مرد را متفاوت دانسته و قائل به قوامیت مرد در خانه است. (الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ) (نساء، ۳۴) البته برخی به جهت صراحت (وَمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ) (نساء، ۳۴) قوامیت مرد را تنها به جهت نفقه می‌دانند که موظف است به زن بدهد، (بابویه قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۰۵) در مقابل از زن می‌خواهد صالح، قانت، و حافظ باشد. (فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ) (نساء، ۳۴)

حال اگر زن بر اثر عصیان و نشوز وظیفه خود را انجام نداد در حالی که مرد به وظیفه خود (پرداخت نفقه) عمل کرد، خداوند فرآیندی اصلاحی-اعتراضی را برای رفع مشکل در درون خانواده بیان می‌کند. (رئیس الساداتی، ۱۳۹۲، ص ۱۴۴) روایات تفسیری توصیه قرآن را امری ترتیبی می‌داند؛ ابتدا (فَعِظُوهُنَّ)، سپس (وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ) و در

۱. رسول خدا فرمود: هر کس نفقه سه دختر را بدهد، بهشت بروی واجب شود. عرض کردند: یا رسول الله دو دختر چه؟ فرمود: آن نیز همین طور، عرض کردند يك دختر چه؟ فرمود: آن نیز همچنین. رسول خدا را بشارت دادند که خداوند به شما دختری عطا فرموده، حضرت در چهره یاران نگریست و آنان را ناخشنود یافت، فرمود: شما را چه می‌شود؟ شاخه ریحانی است که می‌بویمش و روزیش به عهده خداوند عز و جل است.

۲. أَنِّي رَجُلٌ رَّسُولٌ ﷺ فَقَالَ إِنِّي رَجُلٌ شَابٌّ نَشِيطٌ وَأُحِبُّ الْجِهَادَ وَلِي وَالِدَةٌ تَكْرَهُ ذَلِكَ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ ص ازْجِعْ فَكُنْ مَعَ وَالِدَتِكَ فَوَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَأَنْسُهَا بِكَ لَيْلَةً خَيْرٌ مِنْ جِهَادِكَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ سَنَةً.

۳. از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که می‌فرمود: شخص با ایمان هر قدر محبتش با همسرش بیشتر شود درجه ایمانش بالا رود. و در روایت ابان از عمر بن یزید آمده که امام صادق علیه السلام فرمود: گمان ندارم مردی در ایمان (تشیع) خیری بیفزاید جز اینکه دوستی و محبتش با همسران بیشتر شود.





آخر اگر دو توصیه اخیر جواب نداد (وَاضِرُ بُوْهِن)؛ یعنی مرحله "ضرب" در صورتی جایز است که مراحل دیگر جواب نداده باشد. (قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۳۷)

در مورد "ضرب" نیز شرع اسلام و روایات ائمه علیهم‌السلام حدود آن را معین کرده است؛ از جمله اینکه "غیر مبرح" باشد، (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۸۰) نباید آسیب‌رسان باشد به طوری که بدنش زخم شود و استخوان شکسته شود. شکل زدن در بیان ائمه علیهم‌السلام، زدن با مسواک است به صورتی که رفاقتی باشد؛ (الضرب بالسواک و ضرباً رقیقاً)، (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۱، ص ۵۸؛ معرفت، ۱۴۲۹، ج ۲، ص ۲۸۸) نه حاکی از تنبیه و مجازات. اگر زن از موضع عصیان‌گری خود برگشت، دیگر جایی برای رفتار قهرآمیز نیست، تا جایی که مرد حتی نباید انتظار عشق‌ورزی از زن را داشته باشد. (لاتکلفوهن الحب) (قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۳۷)

قرآن بنای اساسی خانواده را مورد و رحمت دانسته (جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً) (روم، ۲۱)، و الگوی رفتار خانوادگی در برخورد با زنان حتی در هنگام طلاق را براساس اصل (عاشِرُوْهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ) (نساء، ۱۹) می‌داند. این عبارت نماد مخالفت قرآن با خشونت علیه زنان در خانواده است، که نویسندگانی مانند مرنیزی با سطحی‌نگری و کج‌فهمی چنین برداشت‌های آسیب‌رسانی از اسلام و شخصیت پید صلوات‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ارائه می‌دهند.

۶- دیدگاه مرنیزی به موضوع حجاب به عنوان هنجار اجتماعی

مرنیزی معنای لغوی حجاب را پرده می‌داند، که برای قرار دادن سدی میان دو مرد نازل شده است، نه یک مرد و زن؛ زیرا اولین آیه که در مسئله حجاب نازل شده آیه ۵۳ احزاب است. (مرنیزی، ۱۳۸۰، ص ۱۵۳ و ۱۶۰) به نقل از تاریخ طبری شأن نزول این آیه مربوط به شب ازدواج رسول صلوات‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با زینب بنت جحش بوده است. در این شب چندتن از مهمانان گرم گفتگو بودند و به نظر نمی‌رسید به این زودی قصد ترک آنجا را داشته باشند به نحوی که پید صلوات‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم عصبانی شده و به حیاط رفت و مدتی قدم زد،

(مرنیسی، ۱۳۸۰، ص ۱۵۵) تا این که یکی از اصحاب خبر رفتن آنها را به پیه علیه السلام داد. ایشان به اتاق زینب رفت در حالی که یک پا در اتاق و پای دیگرش را بیرون گذاشته بود، پرده‌ای میان خود و انس بن مالک که بیرون در ایستاده بود، کشید. آیه حجاب در این لحظه نازل شد. (طبری، بی تا، ج ۲۲، ص ۲۶) حجاب پاسخ خداوند بود به گروهی که با رفتار بی نزاکت خود موجب آزار پیامبری مؤدب و کم رو شده بودند و قصد داشت به اصحاب پیه علیه السلام باریک بینی و جزئیات آداب معاشرت از جمله وارد نشدن بی اجازه به هر جایی را به اصحاب پیاموزد. (مرنیسی، ۱۳۸۰، ص ۱۵۴ و ۱۶۰)

۱-۶. ابعاد زبان شناختی حجاب

مرنیسی به بررسی بعد زبان شناختی حجاب پرداخته و کلمه حجاب را مفهومی سه بعدی می داند. مفهوم اول: بُعد بینایی و به معنای خارج کردن چیزی از مقابل دید افراد است. مفهوم دوم: بعد فضا و مکان است، یعنی جدا کردن و مرز گذاشتن یا ایجاد آستانه‌ای برای چیزی. مفهوم سوم بعد اخلاقی است و به قلمرو محرمات اختصاص دارد. همچنین در لغت گفته شده حجب به معنای پنهان کردن با ستر است، ستر در عربی به معنی "پرده" آمده است یعنی عملی که مکان را به دو قسمت کرده و یک قسمت را از دید افراد پنهان می کند. (مرنیسی، ۱۳۸۰، ص ۱۶۲) بعد از تحلیل کاربردهای کلمه حجاب در زبان عربی نتیجه می گیرد در تمامی هفت موردی که در قرآن به حجاب اشاره شده به معنای جدایی بوده است. او با توجه به آیه ۵ سوره فصلت، به حجابی که موجب جدایی خدا از بشر و ناتوانی برخی از مردم برای درک خدا می گردد، اشاره می کند، و با توجه به این بُعد منفی حجاب، برداشت ناقص این عصر از حجاب را شگفت آور توصیف می کند. حجابی که زمانی نشانه فرد نفرین شده و محروم از فیوضات معنوی و روحانی بوده، امروز به سنبل هویت اسلامی و نوعی مانا (نیروی جادویی) برای زن مسلمان تبدیل شده است. (مرنیسی، ۱۳۸۰، ص ۱۶۳-۱۶۵)



۲-۶. مفهوم عرفانی حجاب

مرنیسی معتقد است برای اینکه به مفهوم کاملی از حجاب برسیم ناگزیر باید برداشت عارفان از حجاب را مد نظر قرار دهیم. از نگاه عارفان، محجوب کسی است که به وسیله هوی و هوس‌های نفسانی و روانی از نور خدایی محروم شده است؛ زیرا دور بشر را پرده فراگرفته نه خدا. در حقیقت عارفان به کسی فرد محجبه می‌گویند که در جنبه مادیات گرفتار شده و قادر نیست مراحل عرفانی را تجربه کند و تنها انسان آگاه با خودسازی می‌تواند به کشف و شهود برسد که نقطه مقابل حجاب است. به همین جهت از نظر مرنیزی پایین آوردن مفهوم حجاب یا تشبیه این مفهوم به یک تکه پارچه که توسط مردان بر زنان تحمیل شده اگر نگوئیم از معنا تهی کردن این مفهوم است، قطعاً تضعیف آن است. (مرنیسی، ۱۳۸۰، ص ۱۶۳-۱۶۶)

۳-۶. بررسی دیدگاه مرنیزی پیرامون حجاب

بیشترین استنادهای مرنیزی به کتاب تاریخ طبری است. او به نقل از این کتاب به گونه‌ای که بیان شد، داستان ازدواج پیامبر با زینب را آورده است. (طبری، ۱۸۷۹، ج ۲، ص ۲۳۱) متأسفانه این نقل آنچنان با مطالب سست، غیر متقن و دور از شأن رسالت و عصمت پیغمبر صلی الله علیه و آله آمیخته شده، که شخص طبری در تفسیر خود با حذف این موارد به نقل آن به عنوان یکی از چند شأن نزول وارده درباره آیه حجاب می‌پردازد. (تفسیر طبری، بی تا، ج ۱۹، ص ۱۶۹-۱۶۲) انتخاب هر کدام از این شأن نزول‌ها نیازمند دلیل است. مرنیزی بدون ارائه هیچ دلیلی، به یکی از شأن نزول‌های این آیه استناد کرده، و در ترسیم چهره و شخصیت پیغمبر صلی الله علیه و آله به خطا رفته و با استفاده از تعبیر عشق در یک نگاه ماجرای ازدواج پیغمبر صلی الله علیه و آله با زینب را به افسانه و داستان عشقی تبدیل کرده است. در حالی که ازدواج پیامبر با زینب بر اساس جوابگویی به هوا و هوس نبوده بلکه به فرمان الهی برای بیان شریعت صورت گرفته است. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۵، ص ۱۷۰) از طرف دیگر زینب دختر عمه پیغمبر صلی الله علیه و آله بوده و رسول - صلی الله علیه و آله شخصاً او را برای زید

خواستگاری کرده بود، اگر زینب آن چنان زیبایی داشت که موجب علاقه شدید می شد، پیامبر می توانست بدون هیچ مشکلی پیش از زید با او ازدواج کند. ضمن اینکه تاریخ زندگی پیامبر^ﷺ به هیچ وجه نشانی از علاقه و تمایل خاصی از سوی ایشان، نسبت به زینب نشان نمی دهد بلکه زینب همچون سایر زنان پیامبر بوده است. (فهرستی، ۱۳۸۴، ص ۱۹۱)

نکته دیگر اینکه با فرض پذیرش این شأن نزول برای آیه، -بدون پذیرش ملحقات ساختگی و افسانه ای- صدر آیه مربوط به پرده کشیدن و ایجاد حائل و مانع بین پی^ﷺ و یکی از اصحاب آمده است در حالی که ذیل آیه به صراحت دستور می دهد مراوده با همسران پیامبر از پشت پرده باشد. (وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ) (احزاب، ۵۳)

حجاب در لغت به معنای حائل میان دو چیز (راغب، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۱۹) و پنهان کردن و منع از دخول (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۱۰۳) آمده است. به همین جهت پرده ای که میان قلب، ریه و امحاء کشیده شده حجاب حاجز می نامند. (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۱۶۶) غالباً در قرآن نیز به معنای مانع و حائل به کار رفته است. (مریم، ۱۷؛ اعراف، ۴۶؛ اسراء، ۴۵؛ فصلت، ۵؛ شوری، ۵۱؛ احزاب، ۵۳؛ ص ۳۲) به همین جهت اصطلاح رایج در تعابیر فقهای پیشین و کتب روایی برای پوشش زنان واژه "ستر" بوده و معمولاً از واژه حجاب برای رساندن مفهوم پوشش و پوشاندن استفاده نمی شد؛^۱ از این رو برخی از صاحب نظران معاصر کاربرد حجاب برای پوشش زن را نوعی تسامح در تعبیر می دانند؛ زیرا قرآن حجاب را از احکام خواص همسران پیامبر می دانند، و بر دیگر زنان مسلمان تنها ستر و پوشاندن بدن با محدوده ی مقرر شده در شرع، واجب شده است. شاید بتوان منشأ این جابجایی تعبیر را در رسوم سختگیرانه پرده نشینی زنان در دیگر ملل، یا حتی در برخی مناطق جهان اسلام دانست. (مطهری، فلسفه حجاب، بی تا، ص ۷۹)

۱. هر چند کم سابقه هم نیست.



از خطاهای دیگر مرنیزی در فهم آیه حجاب حمل واژه‌های قرآنی بر معانی اصطلاحی است. اگر واژه‌های قرآنی به جای معنای لغوی و عرفی، در معنای اصطلاح یافته در علوم دیگر، به کار گرفته شوند، ما را از معنای واقعی آیه دور کرده و با مشکلات عدیده‌ای مواجه خواهد کرد. برای مثال اگر معنای اصطلاحی ادبیات عرب از واژه "حرف" را در آیه (وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ) (حج، ۱۱) داخل کنیم از معنا و مفهوم حقیقی آیه بسیار دور خواهیم شد. (فهرستی، ۱۳۸۴، ص ۱۸۸) در آیه حجاب نیز دریافت معنای منفی از کلمه حجاب بر اساس اصطلاح عرفانی است، که چنین مفهومی از معنای لغوی آن متبادر نمی‌شود. به نظر می‌رسد مرنیزی در فهم آیات قرآن از روش صحیحی تبعیت نکرده و عدم احاطه علمی او به سایر آیات و منابع دینی منجر به برداشت ناصواب او از پوشش زن در اسلام شده است.

۷- نتیجه‌گیری

۱- بیشترین تکیه گاه خانم مرنیزی در بیان مطالب تاریخی، کتاب تاریخ طبری و سیره ابن هشام از منابع اهل سنت است که در آن‌ها به جهت وجود احادیث ضعیف و غیر قابل اعتماد، مطالب نادرست و حتی کذب یافت می‌شود. مرنیزی نه تنها به این نکته توجه نکرده، بلکه در اقتباس از منابع اهل سنت نیز تنها به گزینش مواردی پرداخته که همسو با دیدگاه و اهداف وی باشد. به همین جهت به شخصیت حضرت ز (علیها السلام) اصلاً نمی‌پردازد؛ زیرا شاید از حضرت ده صفحه مطلب در کتب اهل سنت نباشد، اما هزاران صفحه درباره عایشه وجود دارد.

۲- مرنیزی در تحلیل‌های خود با واژه‌هایی سروکار دارد که وجه سیاسی آن پررنگ است؛ اما برای او اهمیتی ندارد که رفتار سیاسی که ملاک تحلیل قرار گرفته است، مورد تأیید پیامبر باشد یا خیر، لذا استناد جدی به حرکت عایشه می‌کند و دیگر مسایل در نقد این حرکت را نادیده می‌گیرد.

۳- هرگاه خود را در مقابل آیات اکرام زنان می بیند، به ستایش قرآن کریم و مدح پیامبر ﷺ می پردازد که انسان تصور می کند او یک مسلمان معتقد است و هرگاه به زعم خود با آیات زن ستیز روبه رو می شود، علت را کوتاه آمدن خدا و رسولش در مقابل نخبگان زن ستیز می داند و با قدسیت زدایی از قرآن و نبی مکرم اسلام قلم فرسایی می کند.

۴- در نگاه وی به دین، آموزه های جدید دنیای غرب را مبنا قرار داده و براساس آن کوشیده است تا متون دینی را تفسیر کند. سخنان مرنیسی، به نوعی برگردان اسلامی شده تحلیل های فمنیستی است و او تلاش می کند اندیشه های اسلامی را با این معیارها سنجش و تنظیم کند. به عنوان نمونه، تاکید او بر شباهت های جنسیتی بین زن و مرد، برابری و حق همسان میان زن و مرد، از آموزه های دنیای جدید است. مرنیسی با تکیه بر همین اطلاعات ناصحیح و پیش فرض های ذهنی، دیدگاه های خود درباره زنان را ارائه می دهد؛ لذا انتقادهای زیادی به دیدگاه های او وارد است.



منابع و مأخذ

کتب

* قرآن کریم

۱. ابن سعد، محمد، (بی تا)، الطبقات الکبری، بیروت: دار صادر
۲. ابن هشام، عبدالملک، (۱۳۷۵ق)، سیره نبویه معروف به سیره ابن هشام، تصحیح: مصطفی السقا، ابراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ شلبی، بیروت: دارالوفاق
۳. اسحاقی، سید حسین و دیگران، (۱۳۸۵)، فمنیسم، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما
۴. اسلامی، سید حسن، (۱۳۹۱)، اخلاق و آیین نقد، چاپ اول، تهران: خانه کتاب
۵. افشاری راد، مینو و آقا بخشی، علی، (۱۳۷۹)، فرهنگ علوم سیاسی، [بی جا]، نشر چاپار
۶. بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن الحسین، (۱۳۶۷ش)، من لایحضره الفقیه، مترجم: علی اکبر، غفاری، محمدجواد، غفاری، بلاغی، صدر، چاپ اول، تهران: نشر صدوق
۷.، (۱۴۰۴ق)، عیون اخبار الرضا علیه السلام، چاپ اول، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات
۸. بستانی، فؤاد افرام، (۱۳۷۵ش)، فرهنگ ابجدی، مترجم: مهیار، رضا، چاپ دوم، تهران: انتشارات اسلامی
۹. حرعاملی، محمد بن الحسن، (بی تا)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل شریعه، قم: مؤسسه آل البیضاء للاحیاء التراث
۱۰. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، محقق: داودی، صفوان عدنان، چاپ اول، دمشق: دارالشامیه، بیروت: دارالقلم





۱۱. ساروخانی، باقر، (۱۳۷۵)، درآمدی بردایره المعارف علوم اجتماعی، تهران: انتشارات کیهان
۱۲. صفائی حائری، علی، (۱۳۸۱ش)، روش نقد، قم: نشر لیل القدر
۱۳. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۷۴ش)، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم: موسوی همدانی، سید محمد باقر، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۵ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، بیروت: مؤسسه الاعلمی للطبوعات
۱۵. طبری، ابن جریر، (۱۸۷۹م)، تاریخ طبری، نشر دارالمعرفه
۱۶. (بی تا)، جامع البیان، نشر هجر
۱۷. علاسوند، فریبا، (۱۳۹۴)، بازخوانی اندیشه‌های مرنیسی، پژوهشکده زن و خانواده، قم: مرکز تحقیقات زن و خانواده
۱۸. عمید، حسن، (۱۳۶۲)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: انتشارات امیرکبیر
۱۹. فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی
۲۰. قرشی، سیدعلی اکبر، (۱۴۱۲ق)، قاموس قرآن چاپ ششم، تهران: دارالکتب الاسلامیه
۲۱. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۴۰۴ق)، تفسیر قمی، محقق: موسوی جزایری، طیب، چاپ سوم، قم: دارالکتب
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، کافی، محقق: غفاری، علی اکبر، آخوندی، محمد، تهران: دارالکتب الاسلامیه
۲۳. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، تحقیق: میانجی، سید ابراهیم، بهبودی، محمدباقر، دارالاحیاء التراث



۲۴. مرنیسی، فاطمه، (۱۹۹۴م)، السلطانات المنسیات، چاپ اول، دمشق: دارالحصاد
۲۵.،، (۱۳۸۰)، زنان پرده نشین و نخبگان جوشن پوش، مترجم: ملیحه مغازه‌ای، چاپ دوم، تهران: نشرنی
۲۶. مصطفوی، حسن، (۱۳۶۸ش)، التحقيق، چاپ اول، تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۲۷. مطهری، مرتضی، (۱۳۹۱ش)، زن و مسائل قضایی و سیاسی، نشر صدرا
۲۸.،، (بی تا)، مسئله حجاب، تهران: صدرا
۲۹.،، (بی تا)، نظام حقوقی زن در خانواده، تهران: صدرا
۳۰. مکنزی، یان، (۱۳۷۵)، مقدمه‌ای بر ایدئولوژی‌های سیاسی، ترجمه م. قائد، نشر مرکز
- مقالات
۳۱. بهشتی، سعید و مریم احمدی نیا، (۱۳۸۵)، تبیین و بررسی نظریه تربیتی فمینیسم و نقد آن از منظر تعلیم و تربیت اسلامی، دوفصل نامه تربیت اسلامی، شماره ۲
۳۲. توانا، محمدعلی، کامکاری، محمد، میرزایی زاده کوهپایه، محمد امین، پاییز (۱۳۹۶)، نشریه نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، شماره ۱۳
۳۳. حسامی، فاضل، تابستان (۱۳۸۱)، تحریف حقایق در یک کتاب، نشریه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۱۶
۳۴. رئیس الساداتی، ریحانه سادات، بهار (۱۳۹۲)، خشونت نسبت به زنان از منظر تفاسیر قرآنی، مطالعات زن و خانواده، پژوهش‌کننده زنان دانشگاه الزهرا سلام الله علیها، دوره ۱، شماره ۱
۳۵. شاهی حریری، مهوش، بهار (۱۳۷۳)، نشریه ایران‌شناسی، سال ششم، شماره ۱
۳۶. فهرستی، زهرا، پاییز (۱۳۸۴)، نقد آرای مرنیسی در خصوص حجاب، پژوهش زنان، دوره ۳، شماره ۳